

ویژه همایش

« خلاصه‌های ویژه »

دین و زندگی دوازدهم

« مرتضی محسنی کبیر »

آدرس سایت : mmohsenikabir.ir

آدرس کانال تلگرام : @mmk110

کج هر کدام از ما بر اساس فطرت خویش خدا را می یابیم (یافتن) و حضورش را درك می کنیم.

مقدمه اول: ما و این جهان، وجودمان از خودمان نیست و هستی ما از خودمان سرچشمه نمی گیرد و پدیده هستیم.
 مقدمه دوم: موجوداتی که پدیده هستند و وجودشان از خودشان نیست، در موجود شدن نیازمند به وجودی هستند که وجودش از خودش باشد. (شعر: ذات نایافته از هستی بخش...)
 نتیجه: ما و همه پدیده های جهان در پدید آمدن و هست شدن نیازمند به وجودی هستیم که وجودش از خودش و عین ذاتش باشد. (خداوند)

مانند رابطه ساختمان با معمار و بنا (یا ساعت با ساعت ساز) نیست زیرا بنا نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن را، کار بنا فقط جابه جا کردن مواد و چینش آنهاست.
 تا حدی شبیه رابطه جریان برق با مولد برق است (نیاز دائمی) زیرا موجودات پس از پیدایش نیز هم چنان مانند لحظه نخست خلق شدن به خداوند نیازمند هستند، از این رو دائماً به پیشگاه الهی عرض نیاز می کنند.
 شعر: ما چونایم ونوا در ما زتوست / ما چه کوهیم و صدا در ما زتوست
 آیه: يسالہ من فی السماوات والارض کل یوم ہوفی شان

دو دسته انسان ها: ناآگاه (جاهل) به نیاز دائمی به خدا بی توجه اند.
 آگاه (عالم) دائماً سایه لطف و رحمت خدا را مشاهده می کنند و خود را نیازمند می بینند.
 افزایش معرفت به خدا و رابطه با خدا (افزایش خود شناسی) ← درك بیشتر فقر و نیاز ← افزایش عبودیت و بندگی
 دعای پیامبر (ص): اَللّٰهُمَّ لَا تَكِلْنِيْ اِلَى نَفْسِيْ طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا.

معنا: تمام موجودات "وجود" خود را از او می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می‌گذارند توحید در خالقیت

خداوند نور هستی است: آیه: الله نور السماوات و الارض: هر موجودی تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت و قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است

شعر: دلی کم معرفت نور و صفا دید / به هر چیزی که دید، اول خدا دید

شعر: به صحرا بنگرم، صحرا تو بینم / به دریا بنگرم، دریا تو بینم

حدیث: ما رأیت شیئا الا ورأیت الله قبله و بعده و معه.

معرفت عمیق و والا: تعریف: در هر چیزی خدا ببینید، در نگاه نخست مشکل - هدفی قابل دسترسی - به خصوص برای جوانان و نوجوانان

لازمه: پاکی و صفای قلب - تصمیم قوی ← به یقین خداوند نیز کمک میکند.

محدود: در ذهن می‌گنجد، چیستی آنها را می‌شناسیم.

نامحدود: ذهن ما گنجایش آنها را ندارد زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است.

ناتوانی انسان در شناخت
ذات چیستی خداوند:

شناخت خداوند: هستی ← نیازبه ← نشانه ← برای انسان ممکن (تشویق) تفکر و فی کل شی (وجوب تفکر در اسماء و صفات خداوند)

چیستی (ماهیت) ← نیازبه ← احاطه ← برای انسان ناممکن (ممنوع) لا تفکر و فی ذات الله (حرمت تفکر در ذات)

مُحیط	اسم فاعل	خداوند	احاطه کننده
مُحاط	اسم مفعول	مخلوقات	احاطه شده

❖ ثمره التفات انسان‌ها به آیه « یَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ » در کدام حدیث نبوی تجلی دارد و مفهوم این آیه در کدام مورد بیان شده است؟

(۱) " أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَفِي قُدْرَتِهِ " - انسان چشم به هم زدنی به خود واگذار نمی‌شود.

(۲) " أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَفِي قُدْرَتِهِ " - جهان در هر آن به خداوند نیازمند است.

(۳) " اللَّهُمَّ لَا تَكُنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا " - جهان در هر آن به خداوند نیازمند است.

(۴) " اللَّهُمَّ لَا تَكُنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا " - انسان چشم به هم زدنی به خود واگذار نمی‌شود.

❖ اگر بخواهیم مقایسه‌ای میان رابطه جهان با خداوند و ساعت با سازنده آن داشته باشیم، کدام موضوع به ذهن انسان متبادر می‌شود؟

(۱) هر دو پدیده اند و ساعت ساز هستی بخش ساعت است و خداوند هستی بخش و خالق جهان است.

(۲) هر دو مرکب از اجزا هستند و نظم پیچیدگی جهان فراتر است و ساعت ساز نظم دهنده و هستی بخش آن است.

(۳) هر دو نیازمند خالق هستند و این نیاز در هستی بخشی و بقا است یعنی یک نوع نیاز دائمی دارند.

(۴) دوام و بقای ساعت وابسته به ساعت ساز نمی‌باشد ولی بقای جهان وابسته به خالق آن است.